



مشکلات رفتاری کودکان و کاربرد روش حل مسئله

رهنمودهایی برای مادران، پدران و معلمان^۱

تعریف مشکلات رفتاری

تعریف مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان و نوجوانان امر ساده‌ای نیست. تعریف‌های متعدد بر این فرض استوارند که کودکان با مشکلات رفتاری، دائماً رفتار نامناسب با سن خود را نشان می‌دهند و در نتیجه، با کشمکش‌های اجتماعی، ناراحتی‌های شخصی و شکست‌های تحصیلی روبه‌رو می‌شوند (به‌پژوه، ۱۳۹۸؛ سمتانا و روت، ۲۰۱۵). مشکلات رفتاری به شرایطی گفته می‌شود که در آن پاسخ‌های هیجانی و رفتاری در خانه و مدرسه با هنجارهای فرهنگی، سنی و قومی تفاوت داشته باشد و بر عملکرد تحصیلی فرد، مراقبت از خود، روابط اجتماعی، سازگاری فردی، رفتار در خانه و کلاس و سازگاری در محیط تأثیر منفی بگذارد. مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان در حدی نیست که بتوان آنان را به‌عنوان بیماران روانی طبقه‌بندی کرد. این مشکلات براساس داده‌های حاصل از منابع مختلف در مورد کارکردهای هیجانی یا رفتاری و براساس ماهیت،

شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۹). متأسفانه در خانواده و مدرسه به‌ندرت به کاربرد روش حل مسئله به‌عنوان بخشی از برنامه تحصیلی از سوی معلمان و والدین توجه می‌شود. به بیان دیگر، با وجود اهمیت حل مسئله در زندگی واقعی دانش‌آموزان، این مهارت از سوی والدین و معلمان به آنها آموزش داده نمی‌شود و تأکید نظام آموزشی بیشتر بر «به چه چیزی فکر کردن» است تا «چگونه فکر کردن؟» (کاکابرابی و مرادی، ۱۳۹۵). در همین راستا باید اشاره کرد که در حال حاضر بسیاری از دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند و نقش والدین در موفقیت آنان نادیده گرفته شده است. به همین سبب، برنامه‌ریزی آموزشی همزمان برای معلمان، والدین و دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری و حمایت همه‌جانبه از آنان اهمیت بسیاری دارد.



دکتر احمد به‌پژوه
استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران



دکتر کیوان کاکابرابی
دانشیار روان‌شناسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه



مقدمه

روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت همواره به مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان توجه ویژه‌ای دارند و دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری از نظر کارکرد تحصیلی، روابط درون‌فردی و بین‌فردی مشکلات اساسی دارند و به علت رفتارهای پرخاشگرانه از جانب والدین، معلمان و هم‌تایان خود طرد می‌شوند. بر این اساس، هنگام اندیشیدن به ارتقای کیفیت زندگی، اصلاح رفتار و موفقیت تحصیلی کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری، لازم است بر دو موقعیت خانواده و مدرسه متمرکز شود (ارجمندنیا و همکاران، ۱۳۹۹؛ به‌پژوه، ۱۳۹۸؛

سودمند است که به مداخله و پیشگیری موثر منجر شود.

در علت‌شناسی، با الگوهای گوناگونی روبه‌رو هستیم و همه ناهنجاری‌های رفتاری و عاطفی را نمی‌توان با یک نظریه یا یک الگو تبیین کرد. تحقیقات موجود نشان می‌دهد که در بروز مشکلات رفتاری، شبکه‌ای از عوامل دخالت دارد و با توجه به نظریه سیستمی ده‌ها عامل دست به دست هم می‌دهد تا پدیده‌ای به وجود آید. در همین راستا در سال‌های اخیر متخصصان مختلف علل گوناگونی را در رابطه با مشکلات رفتاری مطرح کرده‌اند که اغلب این علل با توانایی‌های شناختی، ساختار بیولوژیکی و ژنتیکی، خانواده و محیط زندگی فرد در ارتباطند (به‌پژوه، ۱۳۹۸).

روش حل مسئله

و کودکان با مشکلات رفتاری

روش حل مسئله به فرایندی شناختی-عاطفی- رفتاری اطلاق می‌شود که افراد برای حل مشکلات زندگی خود از آن بهره می‌برند. در این روش، حل مسئله به‌مثابه مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی شامل شناسایی مسئله، هدف‌گزینی، انتخاب راه‌حل‌های مناسب و ارزیابی نتایج حل مسئله فرض می‌شود (سی‌یو و شک، ۲۰۰۵). شواهد تجربی حاکی از آن است که کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری، تشخیص درستی از رفتار دیگران ندارند و در زمینه کاربرد روش حل مسئله با محدودیت‌های متعددی روبه‌رو هستند. به بیان دقیق‌تر آنان موقعیت‌ها منظور دیگران را خصمانه درک و تفسیر می‌کنند، واقعیت‌های اندکی را مدنظر قرار می‌دهند و معمولاً هدف‌های رفتاری نامناسبی را انتخاب می‌کنند (شور، ۲۰۰۱). معمولاً کودکان با مشکلات رفتاری در مقابله با مسائل و مشکلات به لحاظ کمی، از راه‌حل‌های اندکی استفاده می‌کنند و به لحاظ کیفی این راه‌حل‌ها نامؤثر و یا حداقل غیراجتماعی هستند. بنابراین، به‌عنوان قاعده کلی، کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری راهبردهای متناقض و غیرمعمولی برای حل

نتایج مطالعات بسیاری که در آمریکا و سایر نقاط جهان صورت گرفته، بیانگر شیوع مشکلات رفتاری حداقل بین ۶ تا ۱۰ درصد در کودکان و نوجوانان مدرسه‌ای است (شکوهِ‌یکتا و پرنده، ۱۳۸۹؛ کافمن و هالاها، ۲۰۱۱).

مطالعات پژوهشی متعددی در زمینه شیوع مشکلات رفتاری در ایران نیز صورت گرفته است. برای نمونه، مقدم و همکاران (۱۳۸۱) برآورد کرده‌اند که شیوع اختلال‌های رفتاری در دانش‌آموزان دبستانی در شهرستان قروه در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰ با استفاده از مصاحبه بالینی حدود ۲۰٪ بوده است. غباری بناب و همکاران (۱۳۸۸) میزان شیوع اختلال‌های رفتاری در میان دانش‌آموزان ابتدایی در شهر تهران را بر اساس طبقه‌بندی بالینی در نظام مبتنی بر تجربه، ۲۰/۳ درصد در گروه بالینی و ۵/۸ درصد در گروه مرزی گزارش کرده‌اند. همچنین کاکابرایی، افروز و فرهادی (۱۳۹۳) گزارش کرده‌اند که ۹/۲ درصد از کل دانش‌آموزان دبیرستانی در استان کرمانشاه، دارای مشکلات رفتاری بوده‌اند و بیشترین و کمترین میزان شیوع مشکلات رفتاری به ترتیب مربوط به افسردگی، کناره‌جویی و شکایات بدنی بوده است.

علت‌شناسی

در جهان هستی، هیچ پدیده‌ای بدون علت رخ نمی‌دهد و شناسایی علل مشکلات رفتاری بسیار دشوار و پیچیده است و نمی‌توان پدیدآیی آن را به علت خاصی نسبت داد. به‌طور کلی، در بررسی و شناسایی علل مشکلات رفتاری لازم است به چند نکته توجه کرد:

- ۱- همواره بای به رابطه علت و معلولی در بروز مشکلات رفتاری توجه کرد؛
- ۲- در بروز مشکلات رفتاری مجموعه‌ای از عوامل دخالت دارند؛
- ۳- هیچ مشکل رفتاری خودبه‌خود، یک‌شبه و ناگهانی رخ نمی‌دهد؛
- ۴- شناسایی علل مشکلات رفتاری ممکن است تحت تأثیر نگرش متخصصان، تجربه‌های فردی و رشته تحصیلی آنان قرار گیرد؛
- ۵- شناخت علل مشکلات رفتاری هنگامی

فراوانی، تداوم، شدت، و غیرعادی بودن رفتار، شناسایی می‌شود و باید دست‌کم در دو موقعیت متفاوت، از جمله خانه و مدرسه بروز کند (کافمن و هالاها، ۲۰۱۱؛ هوارت و فیشر، ۲۰۰۵، ترجمه به‌پژوه و هاشمی‌رزینی، ۱۳۸۸).

براساس آخرین طبقه‌بندی در پنجمین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۲۰۱۳)، کودکان دارای مشکلات رفتاری، در خودکنترلی رفتار و هیجان‌های خود دچار مشکل هستند و مشکلاتی، مانند نافرمانی مقابله‌ای و اختلال کنترل تکانه از خود بروز می‌دهند. این کودکان در خانه و مدرسه رفتارهایی، مانند کاستی توجه، ناسازگاری و نافرمانی، لجبازی، ناپختگی هیجانی، تکانشگری، پرخاشگری، اضطراب، گوشه‌گیری و افسردگی از خود نشان می‌دهند.

طبقه‌بندی مشکلات رفتاری

تاکنون نظام‌های طبقه‌بندی متعددی برای مشکلات رفتاری ارائه شده است. طبقه‌بندی مشکلات روانی، به‌طور کلی، و مشکلات رفتاری، به‌طور خاص، می‌تواند در تشخیص، درمان و آموزش کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری مؤثر باشد. معمولاً کودکان با مشکلات هیجانی و رفتاری، به‌عنوان کودکان سازش‌نیافته، ناسازگار و دشوار مطرح می‌شوند. روان‌شناسان تحولی‌نگر، برای این قبیل کودکان، گاهی اختلال‌های رفتاری برون‌نمود یا برون‌دیز (مانند، پرخاشگری و خرابکاری) و زمانی اختلال‌های رفتاری درون‌نمود یا درون‌دیز (مانند، اضطراب و افسردگی) را برای توصیف دو طبقه اصلی از اختلال‌های رفتاری به کار می‌برند (به‌پژوه، ۱۳۹۸).

شیوع مشکلات رفتاری

برآورد میزان شیوع مشکلات رفتاری به علت فقدان تعریف معتبر و استاندارد و نیز ابزارهایی که بتوان به‌وسیله آنها این کودکان را شناسایی کرد، بسیار دشوار است. مطالعات متعددی نشان داده است که مشکلات رفتاری از شایع‌ترین مسائل روان‌شناختی دوران کودکی و نوجوانی است.

مسائل در حافظه شناخت اجتماعی خود دارند (مک‌موران و مک‌گوانر، ۲۰۰۵؛ ترجمه خانجانی و فیروزیان، ۱۳۹۱).

اکنون می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا برنامه آموزش حل مسئله محور، به‌عنوان شاخصی از مهارت فردی، می‌تواند در کاهش مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان مؤثر باشد؟ شواهد تجربی نشان می‌دهد که برنامه آموزش حل مسئله می‌تواند به‌مثابه عنصر تعیین‌کننده برای ارتقای کیفیت روابط اجتماعی و مدیریت رفتار خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه کودکان و نوجوانان در خانه و مدرسه تلقی شود (سی‌یو و شک، ۲۰۰۵؛ کاکابرابی و مرادی، ۱۳۹۶).

بر اساس نظریه پردازش اطلاعات اجتماعی، پژوهشگران در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ نظریه جامعی از شناخت انسان ارائه داده‌اند که به تبیین تحول مشکلات رفتاری از دیدگاه شناخت اجتماعی می‌پردازد. طبق این نظریه، رفتارهای اجتماعی تا حد زیادی با برنامه‌هایی کنترل می‌شود که در طول دوران اولیه رشد فراگرفته شده است. این برنامه‌ها، به‌عنوان رونوشت شناختی، در حافظه فرد رمزگذاری، تکرار و ذخیره می‌شود. رونوشت شناختی نشانگر این است که در محیط چه اتفاقی می‌افتد و فرد در واکنش به آن چگونه رفتار خواهد کرد و پیامدهای احتمالی آن چه خواهد بود. حل مسئله اجتماعی که از رونوشت‌های شناختی استفاده می‌کند بر اساس راهبردهای اجتماعی توصیف می‌شود که از سلسله توالی گام‌به‌گام تشکیل شده است. در ابتدا، فرد به رمزگذاری و تفسیر اطلاعات موقعیت و علائم اجتماعی آن می‌پردازد. سپس، هدف‌ها و نتایج مطلوب را برمی‌گزیند و واکنش‌های احتمالی را از حافظه خود فرامی‌خواند و در صورت جدید بودن موقعیت، رفتارهای جدید در واکنش به علائم اجتماعی بروز می‌دهد و راه‌حل تولیدشده را ارزیابی می‌کند و درباره مطلوب‌ترین اقدام ارزیابی شده تصمیم لازم را می‌گیرد و درنهایت، به انجام عمل مبادرت می‌کند (مک‌موران و مک‌گوانر، ۲۰۰۵؛ ترجمه خانجانی و فیروزیان، ۱۳۹۱؛ شور، ۲۰۰۱).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری راهبردهای پرخاشگرانه حل مسئله بیشتری در ساختار حافظه شناخت اجتماعی خود دارند و هنگامی که طرح‌های شناختی رقیبی پدید می‌آید، طرح‌های آنها در برابر تغییر مقاومت می‌کند و تا بزرگسالی تداوم می‌یابد. بنابراین، بررسی این نکته که آموزش حل مسئله تا چه میزان مشکلات رفتاری دانش‌آموزان را تعدیل می‌کند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

برنامه آموزش حل مسئله محور

در این بخش، دو برنامه «من می‌توانم مسئله را حل کنم» و «تربیت کودک و نوجوان اندیشمند» که شور (۲۰۰۱) برای مقابله با مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان آن را طراحی کرده است، معرفی می‌شود:

الف) برنامه «من می‌توانم مسئله را حل کنم» این برنامه بر این باور استوار است که باید به کودکان و نوجوانان آموزش داد که چگونه فکر کنند. حل مسئله به کودکان نمی‌گوید که هنگام بروز تعارض یا سایر موقعیت‌های دشوار چه کاری انجام دهند، بلکه به آنان روش‌های طرح دیدگاهشان درباره مشکلات و درست‌اندیشیدن در باب آنها را آموزش می‌دهد. محتوای برنامه «من می‌توانم مسئله را حل کنم» به دو مقوله عمده تقسیم می‌شود:

● مقوله اول: پیش‌مهارت‌های حل مسئله

این مقوله شامل مراحل زیر است:

- ۱- کمک به کودکان در شکل‌دهی حساسیت و آگاهی نسبت به دیگران؛
- ۲- تمرکز بر مفاهیم حل مسئله مربوط به نفی (هست- نیست) و انتخاب‌ها؛
- ۳- درک اینکه کارهایی وجود دارد که افراد نمی‌توانند هم‌زمان انجام دهند؛
- ۴- پرورش حساسیت نسبت به احساسات خود و دیگران از طریق مرور واژگان احساسی، مانند خوشحال، غمگین، عصبانی، راضی، سرخورده، راضی، خجالت‌زده، حسود، ترسیده؛
- ۵- القای اینکه افراد احساس مشابهی درباره یک رفتار یکسان ندارند؛

۶- درک اهمیت گوش‌دادن به دیگران، فهمیدن همه پیام و کسب اطلاعات مستقیم از منبع اصلی؛

۷- توجه کردن و به‌خاطر آوردن، با هدف حساسیت به احساسات، نیازها و انتخاب‌های دیگران؛

۸- آشنایی با مفهوم فکری «بیش از دو راه وجود دارد» از طریق تمرکز بر شیوه‌های مختلف مشاهده، گوش دادن، دیدن و پرسیدن؛

۹- تفکر متوالی و تشویق کودکان به بررسی اینکه چگونه و چرا دو نفر ممکن است تصویرهای ذهنی و احساسات متفاوتی داشته باشند؛

۱۰- تأکید بر لزوم جمع‌آوری اطلاعات به منظور پرهیز از فرض‌های اشتباه در موقعیت‌های مشکل‌زا؛

۱۱- کمک به کودکان در به‌کاربردن پیش‌مهارت‌های حل مسئله در زندگی شخصی خود.

● مقوله دوم: مهارت‌های حل مسئله

این مقوله شامل مراحل زیر است:

- ۱- راه‌حل‌های جایگزین با هدف کمک به کودکان در شناخت ماهیت مشکل و آموختن راه‌های تولید راه‌حل‌های احتمالی متعدد؛
- ۲- بررسی پیامدها، کمک به کودکان در فرآیند متوالی اندیشیدن به‌عنوان پیش‌شرط درک روابط علت و معلولی و تشویق به اندیشیدن درباره آنچه ممکن است بعداً اتفاق افتد، چنانچه آنان راه‌حل خاصی را به اجرا درآورند؛
- ۳- جفت‌های راه‌حل-پیامد، دادن تمرین به کودکان از نظر ارتباط دادن یک راه‌حل با پیامد احتمالی به شیوه یک‌به‌یک (شکوهی‌یکتا و زمانی، ۱۳۹۱؛ کاکابرابی و مرادی، ۱۳۹۶).
- ب) برنامه «تربیت کودک و نوجوان اندیشمند» این برنامه بر آموزش والدین از نظر استفاده از شیوه کارآمد تعاملی با کودک و نوجوان در حل مسائل پیش رو در محیط‌های مختلف اجتماعی تأکید دارد. از مهم‌ترین مهارت‌هایی که در جلسات کارگاه آموزشی این برنامه آموزش داده می‌شود، به شرح زیر است:
- ۱- درک احساسات دیگران و نقطه نظرات آنان؛

جدول شماره ۱- خلاصه جلسات برنامه تربیت کودک و نوجوان اندیشمند

جلسه	هدف	محتوا	تکلیف
اول	آشنایی با کودکان با نیازهای ویژه و اهمیت آن	تشریح هدف‌های کارگاه و بررسی اهمیت آن با تأکید بر چهار شیوه تربیتی والدین	توضیح برگه تمرین
دوم	آشنایی با مهارت‌های حل مسئله و روش‌های تربیتی	درک احساسات دیگران، درک انگیزه دیگران، یافتن راه‌حل‌های جایگزین، در نظر گرفتن عواقب و نتایج کار و برنامه‌ریزی متوالی	کار گروهی
سوم	پرداختن به مقوله احساسات	تشریح اهمیت شناخت و بیان احساسات در زندگی واقعی در تعامل با دیگران	ارائه جدول موقعیت‌های احساسی
چهارم	پرداختن به موضوع گوش کردن فعال	بررسی گوش کردن به‌عنوان یکی از اجزای حل مسئله و چگونگی کاربست آن در تعامل با دیگران	ارائه برگه‌های تمرین خوب گوش کردن
پنجم	پرداختن به مبحث درک انگیزه‌ها	در نظر گرفتن دلایل متعدد بروز یک رفتار با هدف متمایز کردن رفتارهای خصمانه یا عمدی از رفتارهای تصادفی یا غیرعمدی	دادن جزوه جلسه پنجم و ارائه برگه تمرین درک انگیزه‌ها
ششم	پرداختن به مقوله راه‌ها	چگونگی پیدا کردن راه‌حل‌های جایگزین بدون ارزش‌گذاری آنها از طریق تشویق کودکان به تفکر درباره موقعیت‌های ساختگی و بیان برخی از نمونه‌ها (نقاشی یا داستان‌های ناتمام)	کار گروهی
هفتم	پرداختن به مبحث نتایج و عواقب	تشریح گفت‌وگو از طریق حل مسئله در موقعیت‌های ساختگی و زندگی واقعی	ارائه برگه آموزش تفکر بر اساس نتایج
هشتم	پرداختن به مهارت برنامه‌ریزی متوالی	چگونگی طرح گام‌ها به سوی هدف، پیش‌بینی موانع احتمالی، زمان‌بندی فعالیت‌ها، چقدر طول خواهد کشید؟ و یکپارچه‌سازی گام‌های مختلف	کار گروهی
نهم	پرداختن به ترکیب مهارت‌های حل مسئله و مروری بر سؤال‌های مطرح شده	مروری بر مهارت‌های کسب شده تاکنون به وسیله پرسش و پاسخ از شرکت‌کنندگان	تمرین‌های ترکیبی با تشکیل گروه‌های سه نفر و ارائه داستان‌های ناتمام و تکمیل آن
دهم	مروری بر مطالب فراگرفته شده و ارزیابی آنها	مرور نهایی بر گفت‌وگو به شیوه حل مسئله، جمع‌بندی و در نهایت اجرای ارزیابی	به گروه‌ها، برگه‌های ارزیابی حل مسئله داده می‌شود و از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا روش استفاده شده در آن عبارت‌رأ مشخص کنند

۲- درک انگیزه‌ها؛

۳- یافتن راه‌حل‌های متعدد؛

۴- در نظر گرفتن عواقب و نتایج امور؛

۵- برنامه‌ریزی متوالی.

در این برنامه والدین با سبک‌های مختلف تعاملی خود در ارتباط با کودکان آشنا می‌شوند. این سبک‌ها در چهار سطح طبقه‌بندی شده‌اند که برای والدین با نام چهار پله رفتاری تعریف می‌شوند.

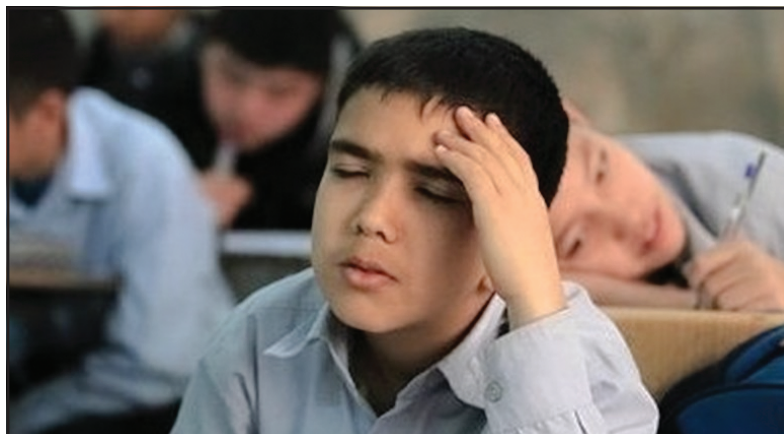
● در پله اول، یکی از سبک‌های ناکارآمد تعاملی یعنی تنبیه و تحقیر آمده است.
● در پله دوم، سبک توصیه‌شده، بدون توضیح آمده است. در این دو پله، کودک بیشتر اوقات نقش اجراکننده دستورها یا پیشنهادها را دارد.

● در پله سوم، والدین پیشنهاد خود را با توضیحاتی ارائه می‌دهند. این توضیحات می‌تواند درباره پیامد راه حل یا توجه به احساس فرد مقابل باشد.

● پله چهارم، شامل کارآمدترین روش تعاملی دوسویه است که با طرح سؤال، کودک یا نوجوان را به تفکر وامی‌دارد.

در حین تمرین‌های این مرحله، کودکان و نوجوانان با کلماتی آشنا می‌شوند که «کلمات حل مسئله» نام‌گذاری شده‌اند و بر سه پایه اساسی درک احساسات، یافتن راه‌حل جایگزین و توجه به پیامدها استوار است. تکیه بر این کلمات بر این اساس است که داشتن زبان مشترک، قدم بسیار مهمی در حل تعارض یا مشکل است (شکوهی‌یکتا و زمانی، ۱۳۹۱؛

کاکابرابی و مرادی، ۱۳۹۶). از کلمات حل مسئله می‌توان هست / نیست، حالا / بعد، مشابه / متفاوت را نام برد که در راستای آن کودک یاد می‌گیرد که چه چیزی برای چه کاری مناسب هست / نیست، یا این که زمان مناسب برای هر رفتاری متفاوت است. در نهایت، زمانی که این کلمات در موقعیت‌های معمول روزمره با کودک تمرین شدند، والدین در تعامل با فرزندان‌شان به پله چهارم می‌رسند. در ادامه در جدول شماره ۱، خلاصه هدف، محتوا و تکلیف مربوط به هر جلسه ارائه شده است.



سخن پایانی

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که تحقیقات سه دهه اخیر به‌طور قانع‌کننده‌ای نشان داده است که رفتار کودکان، ابتدا در خانواده (مثلث مقدس پدر، مادر و فرزند) شکل می‌گیرد و کودکان با مشکلات رفتاری، نارسایی‌های نظام‌داری در مهارت‌های حل مسئله اجتماعی دارند. این نارسایی‌ها شامل برخورداری کمتر از راه‌حل‌های کلامی و استفاده بیشتر از راه‌حل‌های پرخاشگرانه است و به علت این که ظاهراً راه‌حل‌های پرخاشگرانه در حل مشکلات بین فردی مؤثر واقع شده است، راهبردهای مقبولی هستند! ارتقای سطح آگاهی مادران، پدران و معلمان درباره ماهیت نارسایی‌های حل مسئله اجتماعی کودکان و نوجوانان با مشکلات رفتاری به بهبود روابط آنان و توسعه و گسترش درمان‌های شناختی-رفتاری نوین منجر شده است. همچنین شواهد تجربی نشان داده است که برقراری رابطه مؤثر میان پدران و مادران و فرزندان و میان معلمان و دانش‌آموزان، مهم‌ترین مهارت است و حرف اول را می‌زند و موثرترین گام در کاهش مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود (به‌پژوه، ۱۴۰۰).

منابع

ارجمندنیا، علی اکبر؛ حسن‌زاده، سعید؛ کاکابرایی، کیوان؛ پورمحمدرضای تجربی، معصومه و عاشوری، محمد (۱۳۹۹). روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای ویژه. تهران: انتشارات سمت.

به‌پژوه، احمد (۱۴۰۰). اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان. تهران: نشر داتزه.

به‌پژوه، احمد (۱۳۹۸). خانواده و کودکان با نیازهای ویژه. تهران: انتشارات آوای نور.

شکوهی‌یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۹). روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی. تهران: انتشارات تیمورزاده.

شکوهی‌یکتا، محسن و زمانی، نیره (۱۳۹۱). «کاربرد آموزش برنامه حل مسئله بین‌فردی در کاهش رفتارهای مشکل‌ساز دانش‌آموزان دیرآموز: مطالعه تک آزمودنی». مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، شماره ۲، پیاپی ۸، صص ۵۵-۷۱.

غباری بناب، باقر؛ پرند، اکرم؛ حسین‌خانزاده فیروزجاه، عباسعلی؛ موللی، گیتا و نعمتی، شهرروز (۱۳۸۸). «میزان شیوع مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران». مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، شماره ۹ (۳)، صص ۲۲۳-۲۳۸.

کاکابرایی، کیوان و مرادی، علیرضا (۱۳۹۶). «تأثیر آموزش برنامه حل مسئله‌محور بر مشکلات رفتاری دانش‌آموزان». فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی، شماره ۷ (۲۵)، صص ۱۷۵-۲۰۲.

کاکابرایی، کیوان؛ افروز، غلامعلی و فرهادی، مهران (۱۳۹۳). «بررسی رابطه هوش هیجانی و میزان صمیمیت با والدین و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان». فصلنامه علمی-پژوهشی کودکان استثنایی، شماره ۱۲، صص ۱۲-۳۴.

مقدم، مرضیه؛ یاسمی، محمدتقی؛ بینا، مهدی؛ عبدالملکی، فریدون و باقری یزدی،

سیدعباس (۱۳۸۱). «مطالعه اپیدمیولوژیک اختلالات رفتاری دانش‌آموزان دبستانی شهرستان قروه در سال تحصیلی ۱۳۸۰-۸۱ و بررسی اعتبار پایایی فرم راتر معلم در سنجش اختلالات رفتاری آنها». مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، شماره ۷، پیاپی ۲۵، صص ۷-۱۱.

مک‌موران، مری و مک‌گوانر، جیمز (۲۰۰۵). حل مسئله اجتماعی و ارتکاب جرم: رویکردهای درمانی جدید به بزهدکاری. ترجمه زینب خانجانی و عبدالله فیروزیان (۱۳۹۱). تهران: انتشارات روش‌نگر.

هوارت، روی و فیشر، پام (۲۰۰۵). دانش‌آموزان با مشکلات عاطفی و رفتاری: راهنمای معلمان. ترجمه احمد به‌پژوه و هادی هاشمی‌رزینی (۱۳۸۸). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

American Psychiatric Association (2013). **Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders** (5th ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Association.

Kauffman, J.M. & Hallahan, D.P. (2011). **Handbook of Special Education**. New York: Routledge.

Shure, M.B. (2001). I Can Problem Solve (ICPS): An Interpersonal Cognitive Problem Solving Program for Children. **Residential Treatment for Children and Youth**, 18, 3, 3-14.

Siu, A.M.H. & Shek, D.T.L. (2005). Relations between social problem solving and indicators of interpersonal and family well-being among Chinese adolescents in Hong Kong. **Social Indicators Research**, 71, 517-539.

Smetana, J.G. & Rote, W.M. (2015). What do mothers want to know about teens' activities? Levels, trajectories, and correlates. **Journal of Adolescence**, 38, 5-15.